

مدیریت ورزشی - زمستان ۱۳۹۹
دوره ۱۲، شماره ۴، ص: ۱۱۴۰ - ۱۱۱۹
تاریخ دریافت: ۹۸ / ۰۴ / ۱۱
تاریخ پذیرش: ۹۹ / ۰۲ / ۲۳

طراحی مدل مفاهیم اثرگذار دیپلماسی ورزش بر توسعه روابط ایران و ایالات متحده

زهرة سبزی^۱ - مهدی شریعتی فیض آبادی^{۲*} - رضا صابونچی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران ۲. استادیار گروه تربیت بدنی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران ۳. استادیار مدیریت ورزشی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

چکیده

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران پس از گذشت چهار دهه از انقلاب شکوهمند، متأثر از مفاهیم کلان و خرد متفاوتی بوده که بارها توسط کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده به چالش کشیده شده است. دیپلماسی عمومی و به‌طور خاص دیپلماسی ورزشی از ابزارهای پرکاربرد تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان سیاسی ایالات متحده در توسعه و تقویت قدرت نرم خود در جهان است که جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به موفقیت‌های سال‌های اخیر در حوزه بین‌الملل ورزش از جمله کسب مقام هفدهم در میان ۲۰۶ کشور جهان در بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ می‌تواند با استفاده از این ظرفیت به توسعه تعاملات خود در عرصه بین‌الملل کمک کند. هدف از پژوهش حاضر در ابتدا کشف مفاهیم تقویت‌کننده قدرت نرم ایران از دریچه ورزش و نیز طراحی الگوی مطلوب مؤلفه‌های شکل‌دهنده توسعه روابط دیپلماتیک با کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده بود. در ادامه با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و PLS به بررسی میزان همبستگی متغیرها براساس آزمون اسپیرمن، تحلیل عاملی اکتشافی و در نهایت مدلسازی ساختاری - تفسیری متغیرهای مستقل و وابسته پرداخته شد. یافته‌های پژوهش نشان داد هفت عامل توسعه تجاری، امور دینی، تعاملات، امور فرهنگی، انسجام ملی، امور دیپلماتیک و دوستی در چهار سطح متأثر از فضای ورزشی کشور ایران در عرصه بین‌الملل بوده است.

واژه‌های کلیدی

ایالات متحده، ایران، تحریم، دیپلماسی ورزشی.

مقدمه

با شکل‌گیری مفهوم کشور و تعیین حدود و ثغور در جامعه جهانی در قرن هفدهم میلادی، اولین گام‌های شکل‌گیری مفهوم دیپلماسی برداشته شد؛ در پرتو جهانی شدن، توسعه و پیشرفت سریع فناوری ارتباطات و اطلاعات گسترش یافته و استفاده از امکانات مزبور و دسترسی آسان، شرایط بین‌المللی را دگرگون ساخته است. این دگرگونی ساختاری و ماهوی در نظام بین‌الملل، دیپلماسی عمومی را به ابزاری تبدیل کرده است که دولت‌ها با توسل به آن بهتر بتوانند به اهداف ملی خود در رابطه با دیگر کشورها دست یابند (۱). اهدافی که بیشتر جنبه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارد (۲). در کنار این اهداف، ماهیت دیپلماسی عمومی نیز تغییر داشته است. برخلاف گذشته که ماهیت نظام بین‌الملل و روابط بین آن مبتنی بر قدرت سخت بوده و از ابزارهایی همچون نیروی نظامی، ارتش، رایزنی‌ها و ایجاد اتحادها و ائتلاف‌های بین‌المللی برای تحقق اهداف بین‌المللی خود استفاده می‌کرده‌اند، امروزه کشورهای جهان در پی راه‌های جایگزین و به اصطلاح «نرم‌تری» برای پیشبرد اهداف دیپلماتیک خود هستند (۳). علاوه بر آن، دولت‌ها در تلاش‌اند که جهت‌گیری دستگاه دیپلماسی خود را صرفاً معطوف به هیأت حاکمه کشور مقابل ن ساخته و سازه‌های اجتماعی و ذهنی مردم آن را نیز متأثر سازند. از این رو یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دیپلماسی جدید روی کار می‌آید. در دیپلماسی نوین رضایت و خواست مردم حرف اول را می‌زند و تصمیم‌های برون‌مرزی افراد تابع نظرهای مردم است. همچنین از ابزارهای جایگزین دیگری (غیر از ابزار سخت) برای تحقق آرمان‌های برون‌مرزی استفاده می‌شود. از این رو پژوهشگران و سیاستمداران با توجه به کارکردهای صلح‌آمیز و آموزشی ورزش و اینکه نوعی «قدرت نرم» محسوب می‌شود، از دیپلماسی ورزش سخن می‌گویند (۴).

دیپلماسی ورزش در واقع تلاش سفیران ورزشی کشورها در میادین مختلف به منظور تقویت تصویر و قدرت نرم یک کشور است؛ برای نمونه حضور دنیس رودمن^۱ بسکتبالیست آمریکایی در کره شمالی و تماشای بسکتبال به همراه رئیس‌جمهور کره شمالی بیانگر قدرت این بخش از دیپلماسی عمومی است؛ یا در آغوش گرفتن تصویر رهبر ایران توسط ملوین داگلاس^۲ کشتی‌گیر آمریکایی در بحبوحه انتخابات ریاست جمهوری هفتم ایران نمایی دیگر از قدرت نرم ورزش در توسعه روابط کشورهای متنازع با یکدیگر است. این نوع دیپلماسی مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی کشورهاست و بیشتر افکار عمومی و

-
1. Dennis Rodman
 2. Mvyn Douglas

سیاستمداران و دولت‌ها را هدف قرار می‌دهد. دیپلماسی ورزش به‌منزلهٔ اکسیری برای دولت‌ها شناخته می‌شود که به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک بکر و دست‌نخورده می‌تواند افتراق را از بین ببرد و توسعه، گفت‌وگو و پایداری را ترویج دهد. مؤسساتی که در زمینهٔ ورزش و دیپلماسی فعالیت می‌کنند، می‌توانند ارزش‌های ورزشی مثبتی مانند احترام متقابل، نظم، صبر و تحمل و دلسوزی را در بین روابط تند و خشن سیاسی افزایش دهند و مایهٔ تلطیف این فضا شوند (۵). دیپلماسی ورزش به‌صورت آگاهانه و مداوم توسط بازیگران دولتی و غیردولتی برای پیشبرد سیاست، تجارت، توسعه، آموزش، تصویر، شهرت، نام تجاری و ارتباطات مردم به مردم با بهره‌گیری از رویدادهای ورزشی استفاده می‌شود (۶). در واقع همان‌گونه که دیپلمات‌ها به دور میز می‌نشینند، ورزشکاران نیز برای تحقق منافع ملی به دور پیست می‌دوند. دیپلماسی ورزش بیشترین تأکید را بر عامل صلح دارد که بین دولت‌ها و ملت‌ها به‌وجود می‌آید و همین عامل است که تمایل به برگزاری رویدادهای ورزشی را بیشتر می‌کند. برای مثال بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن نمونه‌ای از تفاهم و تقویت حس دوستی و از بین رفتن مرزهای ایجادشده در دوران پایانی جنگ سرد است (۷). بنابراین پیوند بین دیپلماسی و ورزش راهکاری مؤثری است که در کنار یکدیگر افق روشن‌تر و مؤثری را برای کسب موفقیت‌های دیپلماتیک بین‌المللی به‌دست می‌دهد (۳).

علاوه‌بر حوزه‌های فرهنگی، ورزش به‌عنوان یکی از ابعاد مهم و تأثیرگذار نقش بسزایی در توسعهٔ اقتصاد سیاسی کشورها داشته است (۸). به‌دلیل جنبه‌های سیاسی و فرهنگی، ورزش به شکلی گسترده به رسمیت شناخته شده و امروزه ورزش بین‌المللی جزء جدایی‌ناپذیر پویای روابط میان ملت‌هاست (۹). در این باره می‌توان گفت سهم هر کشور از ورزش از صنعت ورزش بسته به نوع فرهنگ و دیدگاه تصمیم‌گیران سیاسی آن متفاوت است. در کشورهایی که ورزش صرفاً ابزاری برای سرگرمی مردم است، در مقایسه با کشورهایی که ورزش به‌عنوان بخشی از اقتصاد کلان آنها مطرح است، گردش مالی متفاوتی از ورزش را شاهدیم (۱۰). به‌طور مثال در انگلستان، صنایع ورزشی در بین پانزده صنعت بزرگ آن کشور قرار گرفته است و در مقابل در بعضی کشورهای توسعه‌نیافته، ورزش حتی به‌عنوان یک صنعت کوچک مولد نیز به‌شمار نمی‌رود. ولی آنچه مشخص است، سهم بالای درآمد کشورهای پیشرفته از صنایع ورزشی است. به‌عبارتی در دنیای آنها، ورزش حرفه‌ای دیگر یک تفریح نیست، بلکه صنعتی پرسود با قابلیت بالا برای جذب سرمایه است. برای نمونه برزیل به‌عنوان یکی از قدرتمندترین اقتصاد نوظهور بریکس^۱

1. BRICs: Brazil, Russia, India, China, South Africa

نیز با طراحی دهه ورزش (بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۱۰) تلاش کرد تا با میزبانی رشته‌های مختلف ورزشی مانند جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۴ یا المپیک تابستانی ۲۰۱۶ ريو علاوه بر استفاده از میراث این مسابقات در توسعه اقتصادی، خود را به‌عنوان کشوری استاندارد در عرصه بین‌الملل معرفی کند (۱۱). از این‌رو توجه به ورزش و رویدادهای ورزشی می‌تواند همچون چتری سایر حوزه‌های اشتغال را تحت تأثیر قرار دهد و به‌صورت غیرمستقیم بر اشتغال افراد دیگر حوزه‌ها تأثیر بگذارد. توسعه و همکاری‌های اقتصادی در کنار ارتباطات ورزشی سبب می‌شود دولت‌ها به ترویج سیاست‌های فرهنگی و خارجی خود بپردازند و درس‌هایی از یکدیگر یاد بگیرند (۱۲). در کنار این سودآوری ملی، امروزه دیپلماتیک ورزشی توانسته است تا مرزها را کمرنگ جلوه دهد و راه‌های بیشتری را برای گفت‌وگو باز کند تا از این طریق افراد مختلف در کنار یکدیگر جمع شوند (۱۳). با توجه به مزیت‌های گفته‌شده، این نوع دیپلماسی سبب شده تا ارتباط بین دولت و ملت در طول زمان تقویت شود و در قرن بیستم و اوایل بیست‌ویکم به‌عنوان نظریه، سیاست و فرهنگی که در روابط بین‌الملل بر مبنای آن واقع شده است، مورد توجه قرار بگیرد (۱۴).

با بررسی ادبیات موضوع مشخص شد که تأکید و توجه زیادی بر دیپلماسی ورزش به‌عنوان راهکار مؤثر رفع تنش‌های کشورها شده است. بخشی چناری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» با رویکردی کمی و کیفی به این نتیجه رسیدند که بازبینی و بازنگری آیین‌نامه‌های اجرایی نهادهای ورزشی (وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و...)، برگزاری جلسات هماهنگی بین وزارت ورزش و وزارت خارجه به‌عنوان متولیان اصلی دیپلماسی ورزشی، آموزش مدیران سیاسی - ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی، تدوین و اجرای برنامه جامع و علمی در جهت گسترش و ارتقای دیپلماسی ورزشی، تعریف و تبیین مفهوم دیپلماسی ورزشی به دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فعال در حوزه دیپلماسی عمومی، راهکارهای مهم در توانمندسازی و تقویت دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نخبگان است (۱۵). شریعتی فیض‌آبادی و ناظمی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «طراحی مفاهیم فرهنگ صلح‌ساز ورزش در توسعه روابط بین‌الملل» به این نتیجه رسیدند که از میان پدیده‌های مختلف، ورزش به‌عنوان یکی از مصادیق بارز صلح‌جویی در هزاره سوم توانسته است جایگاه ویژه‌ای در میان برنامه‌های صلح‌جویانه کشورهای در حال توسعه بریک (برزیل، چین، روسیه، هند و آفریقای جنوبی) ایفا کند و این کشورها از ورزش به‌عنوان اهرم و ابزاری برای بیان خواسته‌های خود از جامعه جهانی استفاده کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز با مطرح کردن طرح ویو در سال ۲۰۱۳ در

مجمع عمومی سازمان ملل، می‌تواند از ظرفیت ورزش ملی به‌منظور تحقق آرمان و اهداف خود در عرصه بین‌المللی استفاده کند. همچنین یافته‌ها نشان داد ۳۴ مفهوم پرتکرار در حوزه ورزش می‌تواند نقش تبیینی در ایجاد مفهوم فرهنگ صلح‌ساز داشته باشد. در میان این گویه‌ها «جایگزینی ورزش به جای جنگ و دیپلماسی نظامی و ایجاد دوستی بین‌المللی» پرتکرارترین گویه بود (۱۶). محمدی عزیزآبادی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «جایگاه ورزش در سیاست داخلی و بین‌المللی برای ایجاد صلح و دوستی» دریافتند که ورزش نقش‌های مهم و راهبردی در روابط ملت‌ها و دولت‌ها در سطوح مختلف دارد: بهبود و تصحیح تصویر یک ملت، تقویت دوستی، افزایش صلح و توسعه دوستی بین ملت‌ها، پیشبرد تجارت و گردشگری، تشویق توسعه بین‌المللی، وحدت بخشیدن به اقلیت‌ها و مهم‌تر از همه، بهبود روابط بین‌الملل برای دوستی بین ملت‌ها از جمله این نقش‌های راهبردی است (۱۷). باقری، شریعتی فیض‌آبادی و نظریان (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «مدلسازی نرم (ISM) مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش» پس از تحلیل داده‌ها مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی را در هفت سطح قرار دادند که براساس آن گراف ISM طراحی شد. در سطح یک به‌عنوان سطح زیربنایی و سازنده، توسعه فرهنگی و در آخرین سطح برندینگ و پرستیژ بین‌المللی قرار گرفت. پس از تحلیل MICMAC، مؤلفه‌ها براساس قدرت نفوذ و وابستگی، در سه ناحیه پیوندی (توسعه فرهنگی و صلح‌دوستی)، مستقل (تعاملات رسانه‌ای، وحدت و هویت ملی، توسعه سیاسی و مبارزه با انزوا)، و وابستگی (بعد تاریک، توسعه اقتصادی، برندینگ و پرستیژ بین‌المللی و توسعه قدرت هوشمندانه) دسته‌بندی شدند (۱۸). شاه‌رضایی و شیرزادی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «نقش ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران»، به مطالعات اولیه در خصوص مباحث نظری موضوع در حوزه ورزش، سیاست و روابط بین‌الملل در سطح کلان و نیز سیاست خارجی کشور طی این سال‌ها پرداخته و سپس به بررسی نقش ورزش در عرصه روابط و مناسبات بین‌المللی ایران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده تأکید و توجه بیشتر به نقش ورزش در توسعه روابط دوستانه و گسترش همکاری‌ها با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به‌دلیل نقش عوامل فرهنگی، قدرت نرم و تعامل در سیاست خارجی و توجه به ورزش به‌عنوان ابزاری در جهت ارتقای پرستیژ بین‌المللی کشور با کسب موفقیت‌ها و افتخارات در صحنه‌های ورزشی بین‌المللی و نمایش قدرت است (۱۹). جانکویک^۱ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «تقویت حل اختلافات بین‌المللی: نقش دیپلماسی ورزشی» نشان داد که نه‌تنها تمرینات المپیک باستانی،

1. Jankovic

بلکه قواعد بازی فوتبال نشان می‌دهد که ورزش‌ها می‌توانند به‌عنوان وسیلهٔ مکمل در حل و فصل اختلافات بین‌المللی کار کنند. دیپلماسی ورزشی ابزاری است که نگرش‌های سیاسی را بیان می‌کند و می‌تواند تصویر ملی را بهبود بخشد. دیپلماسی ورزشی پایه‌ای برای جهت‌گیری بیشتر افکار عمومی است و همچنین می‌تواند فضای خوبی را بین کشورها برای حل اختلافات ایجاد کند. هدف این پژوهش بررسی کاربردپذیری دیپلماسی ورزشی در محیط جهانی فعلی است و سازوکارهایی را برای اختلافات بین‌المللی، مشکلات جهانی و مسائل حقوقی عملی ارائه می‌دهد (۲۰). اشنایدر^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «ورزش به‌عنوان تسهیل‌کنندهٔ روابط مثبت بین‌المللی»، نشان داد که ورزش از طریق روابط بین‌المللی بهبودیافته، می‌تواند حل مثبت مشکلات جهانی معاصر را تسهیل کند. ورزش برای تمامی مردم و حکومت‌ها تسهیل‌کنندهٔ مناسبی در روابط است. به‌عنوان یک فعالیت مشترک بین‌المللی، ورزش‌ها می‌توانند موجب تعاملات بین‌المللی، ایجاد حسن نیت میان ملت‌ها، ایجاد دوستی و وفاداری در میان افراد ملل مختلف شوند. به‌اشتراک‌گذاری و درک متقابل مفاهیم بین کشورهای میزبان در رویدادهای ورزشی بین‌المللی و مهمان‌ها، نتیجهٔ تعاملات است که می‌تواند هویت ملی را تقویت کند و همچنین موجب ایجاد احساسات مثبت بین افراد در سراسر کشور شود. اگر شهروندان جهانی ذهنی باز داشته باشند، ورزش به‌عنوان تسهیل‌کننده، در واقع می‌تواند روابط بین‌المللی را تقویت کند (۲۱). بویسیوگولو و اوگوز^۲ (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «نقش ورزش در روابط بین‌الملل» بیان کردند که ورزش به روش مثبت و به ابزار تحریم بزرگ در روابط بین‌الملل تبدیل شده است و همچنان ادامه دارد. تأثیرات ورزش در قرن کنونی به خوبی در بازی‌های المپیک و در ادامه در سایر مسابقات ورزشی بویژه رشته فوتبال دیده می‌شود. در واقع ورزش در آن دوره نقش مهمی در تست قدرت و رقابت بین دو قطب در محیط بدون جنگ بازی کرد، زیرا مسابقات ورزشی به معنای جنگی است که نتایج آن مرگ نیست و آثار اقتصادی جهانی شدن را نیز در صنعت ورزش نشان می‌دهد (۲۲). فزونی^۳ (۲۰۱۵) در مقالهٔ خود با عنوان «دین، سیاست و طبقهٔ اجتماعی؛ تضاد و رقابت در فوتبال ایران»، توسعهٔ مذهبی، طبقاتی، جنسیتی و نژادی را از طریق فوتبال در ایران بررسی کرد. وی فوتبال را انعکاس ساخت ملی حکومت ایران و آن را ماحصل قدرت‌نمایی مذهب با طبقات اجتماعی می‌داند. از نظر فزونی، ناتوانی حکومت در کنترل منازعات فوتبالی کشور ایران موجبات

1 . Schneider

2 Boyacioglu & Oguz

3 . Fozooni

تضعیف حکومت را فراهم می‌آورد و این موضوع خود دستمایه حمایت بیش از پیش آنان از رشته ورزشی کشتی به‌عنوان ورزش ملی می‌شود. او معتقد است فوتبال فضایی پرتلاطم و مناسب برای بروز تعارض‌ها و تضادهای مختلف است. از دید وی پیش از انقلاب رژیم پهلوی و پس از انقلاب نیز دولت‌های وقت از فوتبال استفاده ابزاری کرده و به‌عنوان اهرمی سیاسی و اقتصادی برای رسیدن به اهداف حکومتی خود استفاده کرده‌اند (۲۳). مان^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «بازی، مجموعه، مسابقه: ورزش و آینده دیپلماسی» نشان داد دیپلماسی ورزشی، زمینه مشروع مطالعه در روابط بین‌الملل است و در این پژوهش استدلال می‌شود که تمرین ورزش دیپلماسی کشورها را با روابط متضاد نسبی، با «نرم» ارائه داده است. با این حال در این پژوهش تلاش برای برطرف کردن این مفهوم و برجسته کردن آن از طریق نمونه‌هایی است که دیپلماسی ورزشی می‌تواند داشته باشد. وقتی محیط مناسب ایجاد شود و پرورش یابد، نتایج ملموس ایجاد می‌شود و محیط سیاسی تا رهبری قدرتمند در محدوده سکونت می‌گیرند. کشورهای درگیر دیپلماسی ورزشی ثابت کرده‌اند که توانایی شکستن اختلافات دیپلماتیک را دارند (۲۴). چهایی^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «دیپلماسی ورزشی بین ایالات متحده آمریکا و ایران» به بررسی نقش و جایگاه دیپلماسی ورزشی در برقراری ارتباط بین دو کشور از لحاظ سیاسی پرداخت. ایشان به قدرت رسیدن سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۹۹۷ را نقطه آغازی برای رویکرد دوستانه در برابر کشورهای مختلف دنیا در نظر گرفت. خاتمی در سال ۱۹۹۸ پیشنهاد کرد که از ورزش به‌عنوان ابزار دیپلماسی برای بهبود روابط سیاسی بین دو کشور همانند دیپلماسی تنیس روی میز نیکسون استفاده شود (۲۵).

اگرچه دیپلماسی ورزش از دیرباز به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه روابط بین مردمان ناآشنا و غریبه با یکدیگر بوده است (۶)، پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی ایران، سیاست خارجه کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده بر مبنای تهدید، ارباب و تحریم جمهوری اسلامی ایران، موجب دوری دو کشور از تفاهم و صلح بین‌الملل شده است؛ چه در فضای ملت‌هت‌پیش از برجام دیروز و چه در تلاش برای ماندگاری کشورهای غربی ۱+۵ در دوران پسابرجامی امروز، ورزش ایران همچنان توانسته است بارقه‌هایی از امید را در تقویت تعاملات دیپلماتیک میان این کشورها زنده نگه‌دارد که آخرین نمونه آن را می‌توان حضور والیبالیست‌های ایرانی در مرحله نهایی لیگ جهانی والیبالیست‌ها ۲۰۱۹ در خاک ایالات متحده دانست. از آنجا

1. Munt

2. Chehabi

که ایران در دهه گذشته به دلیل تعقیب آرمان‌های انقلابی، تضادهای ایدئولوژیک با شرق و غرب و نیز تفاوت‌های رفتاری در حوزه سیاست خارجی همواره آماج بیشترین حمله‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی در افکار عمومی بین‌المللی بوده است (تبلیغاتی که از طریق پروژه‌های اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی پیگیری شده است)، وجود نقشه راهی مناسب برای خنثی کردن این هجمه‌ها و تصحیح تصویر بین‌المللی در اذهان مردم جهان به‌ویژه کشورهای غربی بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد (۱۵). جایگاه ایالات متحده در نظام بین‌الملل و همچنین نقش و جایگاه راهبردی ایران در منطقه، ضرورت‌های متقابلی را برای برقراری رابطه مناسب به‌وجود آورده است. ورزش ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های آسیا همواره در عرصه بین‌المللی توانسته است جایگاهی ممتاز را به‌ویژه در رشته‌های والیبال، کشتی، تکواندو، وزنه‌برداری و فوتبال کسب کند و حتی در بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۱۲ لندن در رده هفدهم بالاتر از کشورهای برزیل، اسپانیا، آرژانتین، ترکیه و ... قرار گیرد. از این‌رو پژوهش حاضر تلاش کرد تا ضمن شناسایی ابعاد و ظرفیت‌های دیپلماتیک ورزش ایران، از این بستر به‌عنوان ابزاری برای آغاز و تقویت روابط سیاسی با کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده استفاده کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی و به لحاظ هدف، کاربردی محسوب می‌شود. در ابتدا سعی شد با بررسی و مرور ادبیات پژوهشی دیپلماسی ورزش مهم‌ترین گویه‌های تأثیرگذار دیپلماسی ورزش با استفاده از روش دلفی فازی با استفاده از ۱۰ نفر خبره استخراج شود. بنابراین پرسشنامه‌ای تهیه شد و در اختیار خبرگان قرار گرفت تا بتوانند به غربال مؤلفه‌ها بپردازند و اهمیت آنها را شناسایی کنند. نمونه آماری در بخش دوم براساس فرمول کوکران برای حجم جامعه نامعلوم و با توجه به طیف لیکرت ۵ تایی سؤالات برابر با ۱۷۰ نفر بود که با احتساب ریزش در نهایت از میان ۲۲۰ پرسشنامه توزیعی، ۲۱۸ عدد قابل استفاده بود. در ادامه به‌منظور پیدا کردن و تعیین روابط بین مؤلفه‌ها (که به متغیر تبدیل شده‌اند)، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، همبستگی اسپیرمن، تحلیل عاملی اکتشافی، مدلسازی ساختاری تفسیری^۱ با کمک ۱۱ نفر خبره که ده نفر از آنها همان خبره‌های بخش دلفی فازی بودند، استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱ نشان‌دهنده ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مطالعاتی است. به‌منظور انجام آزمون‌های کمی در نرم‌افزار، پرسشنامه بین ۲۱۸ نفر توزیع شد که در جدول ۱ اطلاعات این افراد نشان داده شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مطالعاتی

ردیف	متغیرهای جمعیت‌شناختی	گزینه‌ها	فراوانی	درصد
۱	جنسیت	مذکر	۱۲۶	۵۸
		مؤنث	۹۲	۴۲
۲	تأهل	مجرد	۷۴	۳۴
		متأهل	۱۴۴	۶۶
۳	تحصیلات	کارشناسی	۹۵	۴۳
		کارشناسی ارشد	۸۶	۴۰
		دکتری	۳۷	۱۷
۴	سن	زیر ۳۰ سال	۵۶	۲۶
		۳۱ تا ۴۰	۷۸	۳۶
		۴۱ تا ۵۰	۵۰	۲۳
		۵۱ سال و بالاتر	۳۴	۱۵

پیش از طراحی مدل مفهومی پژوهش به کمک مدلسازی ساختاری-تفسیری، ابتدا لازم است مؤلفه‌های موردنظر از طریق بررسی مطالعات گذشته و دریافت نظر کارشناسان صورت پذیرد. بدین‌منظور در گام نخست که شناسایی متغیرهای مربوط به مسئله است، نظرهای داده‌شده توسط گروه تصمیم‌گیرنده با استفاده از طیف ۵ تایی لیکرت جمع‌آوری شد و سپس با توجه به نظرهای خبرگان، عدد فازی مثلی به عوامل تخصیص داده شد. در ادامه با استفاده از ارزش آستانه پیشنهادشده در ادبیات، وضعیت هر عامل (تأیید/رد) مشخص شد. ۳۳ گویه از گویه‌های دیپلماسی ورزشی برای طراحی پرسشنامه استفاده شدند. همچنین یک سؤال آزاد در انتهای پرسشنامه گنجانده شده بود که در آن از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود که هر عامل مؤثری را که از نظر آنها برای هدف پژوهش بااهمیت است، ذکر کنند. دوم، از پرسشنامه برای گردآوری نظرهای خبرگان در گروه تصمیم‌گیری استفاده شد تا اهمیت نسبی عوامل مؤثر و رتبه آنها به‌دست آید. بر این اساس گردآوری اطلاعات در دو مرحله صورت گرفت؛ در گام اول پرسشنامه در اختیار اعضای گروه خبره قرار گرفت و از آنها خواسته شد نظرشان را درباره هر معیار در قالب متغیرهای

کلامی مندرج در پرسشنامه بیان کنند. با توجه به فرمول‌های محاسبه میانگین، میانگین فازی و عدد فازی قطعی شده استخراج شد. در نهایت عامل‌های شناسایی شده نام‌گذاری شدند. در این مرحله سعی شد به پرسش «عوامل مؤثر در دیپلماسی ورزشی کدام‌اند؟» پاسخ داده شود. برای نام‌گذاری عامل‌ها از دو معیار کلی «قابل کنترل بودن/یا نبودن» و «کلی بودن/یا خاص بودن» استفاده شده است. عامل اول: عامل اول شامل گویه‌های ۲، ۳، ۱۵، ۱۷، ۲۳ و ۳۰ است که ۱۳/۳۵۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. این عامل‌ها بیشترین واریانس را دارا هستند. این عامل شامل ۶ گویه زیر است:

گام نخست: شناسایی متغیرهای مربوط به مسئله

نظریات داده‌شده توسط گروه تصمیم‌گیرنده با استفاده از طیف ۵ تایی لیکرت جمع‌آوری شد و سپس با توجه به نظریات خبرگان، عدد فازی مثلثی به عوامل تخصیص داده شد. در ادامه با استفاده از ارزش آستانه پیشنهادشده در ادبیات، وضعیت هر عامل (تأیید/رد) مشخص شد. ۳۳ گویه از گویه‌های دیپلماسی ورزشی برای طراحی پرسشنامه استفاده شدند. همچنین یک سؤال آزاد در انتهای پرسشنامه گنجانده شده بود که در آن از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود هر عامل مؤثری را که از نظر آنها برای هدف پژوهش بااهمیت است، ذکر کنند. دوم، از پرسشنامه برای گردآوری نظریات خبرگان در گروه تصمیم‌گیری استفاده شد تا اهمیت نسبی عوامل مؤثر و رتبه آنها به دست آید. بر این اساس گردآوری اطلاعات در دو مرحله صورت گرفت؛ در گام اول پرسشنامه در اختیار اعضای گروه خبره قرار گرفت و از آنها خواسته شد نظرشان را درباره هر معیار در قالب متغیرهای کلامی مندرج در پرسشنامه بیان کنند. با توجه به فرمول‌های محاسبه میانگین، میانگین فازی و عدد فازی قطعی شده استخراج شد. در نهایت ۷ عامل شناسایی و نام‌گذاری شدند. در این مرحله سعی شده است به پرسش «عوامل مؤثر در دیپلماسی ورزشی کدام‌اند؟» پاسخ داده شود. برای نام‌گذاری عامل‌ها از دو معیار کلی «قابل کنترل بودن/یا نبودن» و «کلی بودن/یا خاص بودن» استفاده شده است. در نهایت ۷ مؤلفه شناسایی شدند که در جدول ۲ مشخص شده‌اند.

جدول ۲. دسته‌بندی شده عامل‌ها با استفاده از تحلیل اکتشافی

مؤلفه استخراجی	گویه
امور فرهنگی	دیپلماسی ورزشی ابزاری برای ارائه تصویر واقعی مردم ایران به جهانیان است. ورزش موجب تقویت تعاملات مردمان جهان است. ورزش‌های بومی، محلی و باستانی بستری مناسب برای توسعه گفتمان انقلاب است. ورزش ابزاری است تا مردم یک کشور در مقابل مردم کشور دیگر قرار گیرند. ورزش موجب توسعه ارتباط فرهنگی میان مردمان کشورها می‌شود. رویدادهای ورزشی نقش اصلی در بهبود دیپلماسی عمومی میان ایران و آمریکا بازی می‌کنند. حوادث ورزشی بین‌المللی در ایالات متحده آمریکا به مراتب کمتر از ایران تحت پوشش قرار می‌گیرند. تفاهم و تعاملات جامع و کلی با کشورهای غربی، پیش‌نیاز توسعه دیپلماسی ورزشی است. قوانین حکومتی و دولتی مانع از تحقق اهداف دیپلماسی ورزشی در ایران می‌شود. ورزش ابزاری در جهت توسعه روابط دیپلماتیک است.. حضور یک کشور در رویدادهای ورزشی می‌تواند یک کشور را از انزوای سیاسی و ژئوپولوتیکی خارج کند. ورزش موجب بازسازی نهادهای داخلی می‌شود. ورزش ابزاری در جهت ترویج قدرت و سلطه است. از طریق ورزش کشورها سعی دارند به اهداف گسترده خود در کسب قدرت دست یابند. ورزش موجبات تقارب جغرافیایی سیاسی به جغرافیایی طبیعی را فراهم می‌آورد.
امور دیپلماتیک	ورزش به بهبود روابط خارجی و افزایش تفاهم دولت‌ها کمک می‌کند. ورزش می‌تواند جایگزینی برای جنگ و دیپلماسی نظامی باشد. ورزش موجب ایجاد جنگ روانی میان دولت‌ها می‌شود. ورزش ابزاری علیه دوپینگ، تنوع نژادی، قومی، منطقه‌ای و طبقاتی است. ورزش برای کشورهایی که دارای فضای سرد سیاسی متقابلی هستند، می‌تواند موجب تلطیف و عادی‌سازی رابطه میان دو کشور شود.
دوستی بین‌المللی	ورزش فضایی مناسب برای اثرگذاری بر افکار عمومی است. ورزش منبعی برای تضاد و اختلاف کشورهاست. دیپلماسی ورزشی میان ملت‌ها مستلزم تغییر در دشمنی‌های دو جامعه و برقراری پیوندهای دو جانبه است. ورزش، رهبری، کار تیمی، احترام به قوانین و احترام به یکدیگر را می‌آموزد.
انسجام ملی	ورزش عامل توسعه پایدار کشورهاست. ورزش برون‌دهای اقتصادی را افزایش می‌دهد. ورزش بین دو کشور موجب ارتباط پایدار و توسعه میان دو کشور می‌شود.
توسعه تجاری	ورزش دستمایه انقلاب ارتباطات و اطلاعات است. ورزش نقش مهمی در زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم کشورهای مختلف دارد. نقش ورزش از یک فعالیت بدنی فراتر رفته و کارکردهای مختلف اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پیدا کرده است.
تعاملات	دیپلماسی ورزشی متأثر از ایدئولوژی مذهبی و سیاسی است. ورزش گوناگونی مذهبی را کاهش می‌دهد.
امور دینی	

در گام دوم تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری صورت پذیرفت؛ بدین صورت که از ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش و مقایسه آنها با استفاده از چهار حالت روابط مفهومی تشکیل شده است.

جدول ۳. ماتریس خودتعاملی ساختاری عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی (منبع: خبرگان)

	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	i	j
۱	V	V	V	X	X	X	X	امور دیپلماتیک	
۲	V	V	V	X	X	X	X	امور دینی	
۳	V	V	V	V	X	X	X	تعاملات	
۴	V	V	V	X	A	X	X	امور فرهنگی	
۵	V	X	X	X	A	A	A	انسجام ملی	
۶	V	X	X	X	A	A	A	دوستی بین‌المللی	
۷	X	A	A	A	A	A	A	توسعه تجاری	

در مراحل سوم و چهارم ماتریس دسترسی اولیه و نهایی ایجاد شد:

جدول ۴. ماتریس دسترسی اولیه و نهایی

قدرت نفوذ	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	i	j
۱	۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	امور دیپلماتیک	
۲	۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	امور دینی	
۳	۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	تعاملات	
۴	۶	۱	۱	۱	۱	۰	۱	امور فرهنگی	
۵	۴	۱	۱	۱	۱	۰	۰	انسجام ملی	
۶	۴	۱	۱	۱	۱	۰	۰	دوستی بین‌المللی	
۷	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	توسعه تجاری	
میزان وابستگی	۳۷	۷	۶	۶	۶	۳	۴		

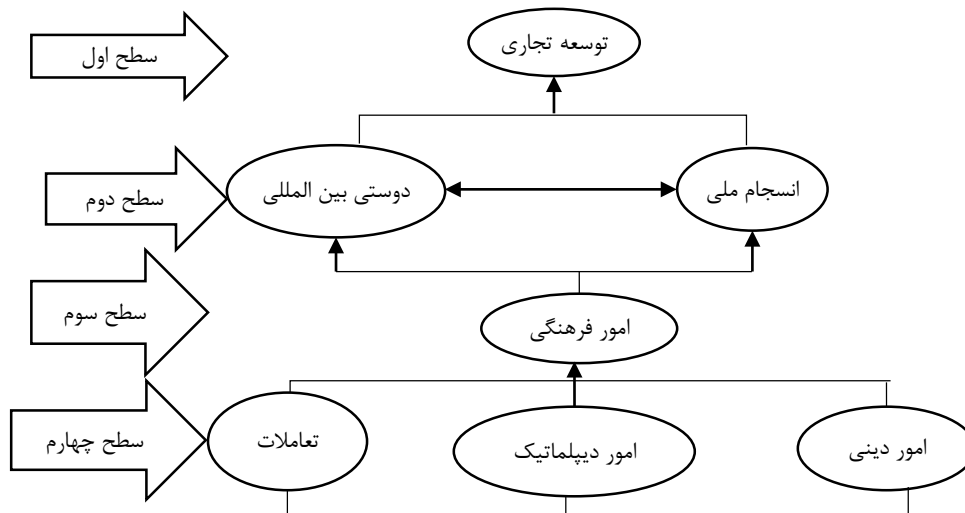
در مرحله پنجم پس از تعیین مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز برای هر متغیر عناصر مشترک در مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز برای هر متغیر شناسایی شدند. پس از تعیین مجموعه‌های پیش‌نیاز و دستیابی و عناصر مشترک نوبت به تعیین سطح متغیرها (عناصر) می‌رسد. در اولین جدول متغیری دارای بالاترین سطح است که مجموعه دستیابی و عناصر مشترک آن کاملاً یکسان هستند. پس از تعیین این متغیر یا متغیرها آنها را از جدول حذف می‌کنیم و با بقیه متغیرهای باقیمانده جدول بعدی را تشکیل خواهیم داد.

در جدول دوم نیز همانند جدول اول متغیر سطح دوم را مشخص می‌کنیم و این کار را تا تعیین سطح همه متغیرها ادامه خواهیم داد.

جدول ۵. تعیین سطوح متغیرها

ابعاد	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش‌نیاز	عناصر مشترک	سطح‌بندی
۱	۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۴-۳-۲-۱	۴-۳-۲-۱	سطح چهارم
۲	۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۴-۳-۲-۱	۴-۳-۲-۱	سطح چهارم
۳	۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۴-۳-۲-۱	۴-۳-۲-۱	سطح چهارم
۴	۷-۶-۵-۴-۲-۱	۳-۲-۱	۴-۳-۲-۱	سطح سوم
۵	۷-۶-۵-۴	۶-۵-۴-۳-۲-۱	۶-۵-۴	سطح دوم
۶	۷-۶-۵-۴	۶-۵-۴-۳-۲-۱	۶-۵-۴	سطح دوم
۷	۷	۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۷	سطح اول

در مرحله بعد پس از تعیین روابط و سطح متغیرها، مدل اولیه پژوهش ترسیم شد. به همین منظور ابتدا متغیرها برحسب سطح آنها به ترتیب از پایین به بالا تنظیم می‌شوند. در مدل حاضر متغیرها در چهار (۴) سطح قرار گرفتند. در بالاترین سطح مدل توسعه تجاری قرار گرفته است، که بیشترین اثر (ضریب وابستگی) را می‌پذیرد. در پایین‌ترین سطح امور دینی، امور سیاسی و تعاملات قرار گرفته است که همانند زیربنای مدل عمل می‌کند و مدل از این مورد شروع شود و به سایر متغیرها منجر می‌شود. در سطوح بعدی مؤلفه‌های دیگری قرار دارند که در شکل ۱ نمایش داده شده است.

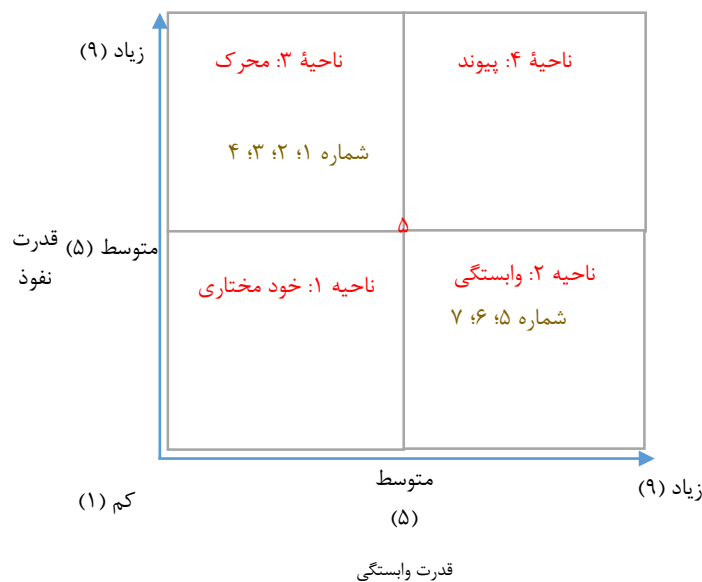


شکل ۱. مدل استخراجی از فرایند مدلسازی ساختاری تفسیری

در مرحله هفتم تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی با استفاده از نمودار MICMAC انجام شد. براساس قدرت وابستگی و قدرت نفوذ متغیرها می‌توان یک دستگاه مختصات تعریف نمود و آن را به چهار قسمت مساوی تقسیم کرد. در این پژوهش گروهی از متغیرها در زیرگروه محرک قرار گرفتند، این متغیرها قدرت نفوذ زیاد و قدرت وابستگی کمی دارند. در دسته بعدی متغیرهای وابسته قرار دارند که به گونه‌ای نتایجی از فرایند توسعه محصول هستند، و خود کمتر می‌توانند زمینه‌ساز متغیرهای دیگر شوند. تمام نتایج در شکل ۲ و جدول ۶ نشان داده شده‌اند.

جدول ۶. درجه قدرت نفوذ و وابستگی متغیرها منبع: محقق

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
قدرت نفوذ	۷	۷	۷	۶	۴	۴	۱
قدرت وابستگی	۴	۴	۴	۳	۶	۶	۷



شکل ۲. قدرت نفوذ و وابستگی متغیرها

تحلیل مسیر و آزمون فرضیه‌ها

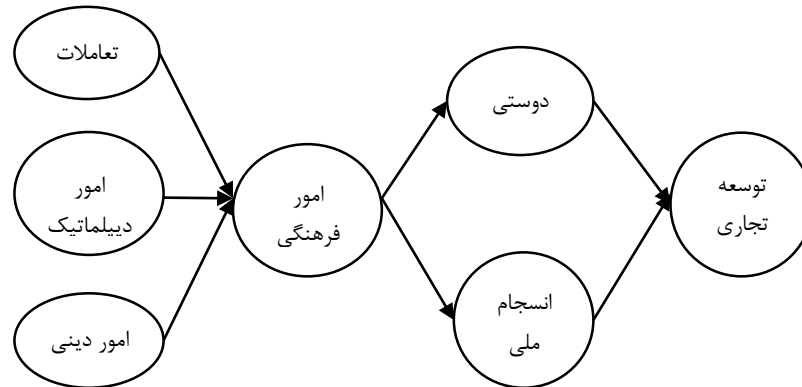
به منظور بررسی رابطه میان متغیرهای پژوهش، در ابتدا رابطه این متغیرها به منظور بررسی اولیه روابط با استفاده از همبستگی اسپیرمن سنجیده می‌شود. ضریب همبستگی اسپیرمن می‌تواند دورنمای

کلی از روابط اجزای دو متغیر اصلی پژوهش را پیش رو قرار دهد. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که همه روابط در سطح خطای ۰/۰۱ معنادارند و جهت تغییرات، هم جهت است. بنابراین فرض صفر رد و فرض یک یعنی وجود ارتباط معنادار تأیید می شود، و میان تمامی متغیرهای پژوهش ارتباط دوطرفه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول ۷. ماتریس همبستگی بین متغیرهای موجود در تحقیق

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
امور	همبستگی	۱	---	---	---	---	---
دیپلماتیک	معناداری	---	---	---	---	---	---
تعاملات	همبستگی	۰/۳۲۱	۱	---	---	---	---
معناداری	---	۰/۰۰۰	---	---	---	---	---
امور دینی	همبستگی	۰/۴۰۱	۰/۲۷۴	۱	---	---	---
معناداری	---	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	---	---	---	---
تعاملات	همبستگی	۰/۴۵۹	۰/۵۴۹	۰/۳۳۱	۱	---	---
معناداری	---	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	---	---	---
انسجام ملی	همبستگی	۰/۶۰۹	۰/۴۱۹	۰/۳۶۲	۰/۴۷	۱	---
معناداری	---	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	---	---
دوستی	همبستگی	۰/۳	۰/۵۶۶	۰/۳۷۵	۰/۵۷	۰/۴۱۴	۱
بین المللی	معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	---
توسعه تجاری	همبستگی	۰/۴۰۳	۰/۲۷۴	۰/۳۶۳	۰/۳۰۹	۰/۳۲	۰/۳۵۶
معناداری	---	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

پس از اینکه متغیرهای مستقل و وابسته مشخص شدند، اکنون به بررسی رابطه متغیرها با استفاده از مدل معادلات ساختاری نرم افزار PLS پرداخته می شود. در خروجی نرم افزار کدهایی مشاهده می شود که هر کدام بیانگر یک متغیر است؛ بدین صورت که امور دیپلماتیک با (PL)، امور فرهنگی با (CU)، ارتباطات با (RE)، امور دینی با (RL)، انسجام ملی با (NS)، عامل دوستی بین المللی با (PA) و توسعه تجاری با (EC) نشان داده شده اند. معیار اساسی برای ارزیابی متغیرهای مکنون درون زاء، ضریب تعیین R^2 است. مقدار R^2 (۰/۶۷، ۰/۳۳ و ۰/۱۹) در مدل های مسیری پی ال اس به ترتیب قابل توجه، متوسط و ضعیف است. همان طور که مشاهده می شود این مقدار برای متغیر صلح سازی برابر با ۰/۴۶۳، برای متغیر وحدت ملی برابر با ۰/۴۴۵ است که مقدار شایان توجهی است و برای متغیر توسعه اقتصادی برابر با ۰/۱۶۲ که مقدار ضعیف است. شکل ۳ مدل مفهومی پژوهش را بعد از تعیین رابطه بین مؤلفه ها نشان می دهد.



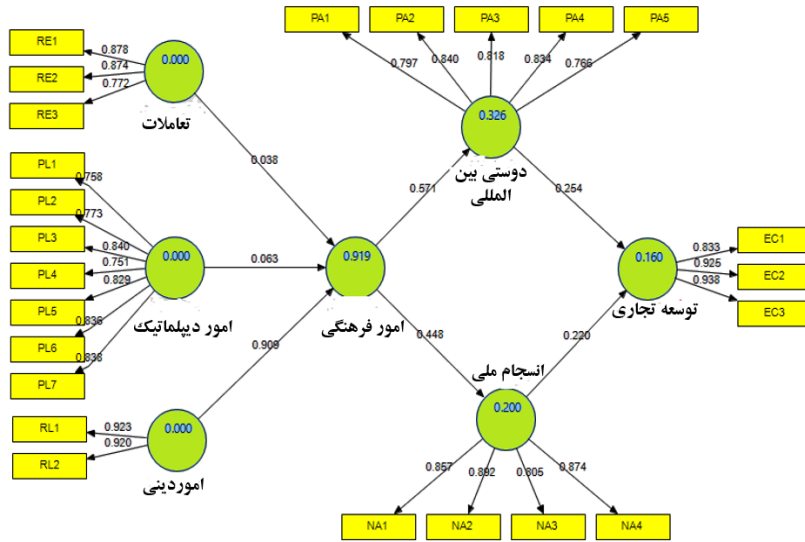
شکل ۳. مدل مفهومی تحقیق ترسیم شده از نرم افزار

به منظور بررسی روایی ابزار اندازه گیری از روایی همگرا به کمک معیار فورنل و لارکر (متوسط واریانس استخراج شده) استفاده شد. حداقل (AVE) معادل ۰/۵ بیانگر اعتبار همگرایی کافی است؛ به این معنی که یک متغیر مکنون می تواند به طور متوسط بیش از نیمی از پراکندگی معرف هایش را تبیین کند. مقادیر متوسط واریانس استخراج شده برای متغیر تبادل فرهنگی، ۰/۷۳۲، توسعه اقتصادی ۰/۸۰۹، وحدت ملی ۰/۷۳۵، ایجاد صلح ۰/۶۵۸، جریان سیاسی ۰/۶۴۷، تحول و ارتباط ۰/۷۱۰ و جریان مذهبی ۰/۸۴۹ گزارش شده است. همان گونه که مشاهده می شود، مقدار متوسط استخراج شده برای متغیر مکنون با مدل انعکاسی بالاتر از ۰/۴ است که نشان دهنده روایی همگرای مطلوب مدل اندازه گیری است.

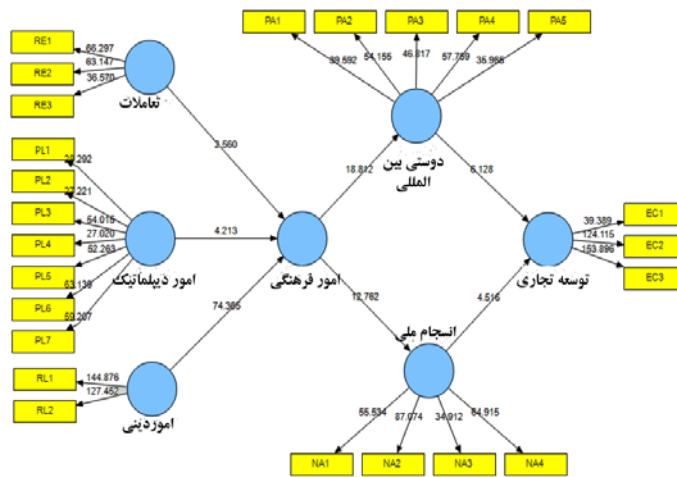
در نهایت به منظور ارزیابی مدل مورد مطالعه از نرم افزار PLS استفاده شد. آزمون ناپارامتریک بوت استرپ (تننهوس^۱ و همکاران، ۲۰۰۵) با ۵۰۰ تکرار برای برآورد خطاهای استاندارد و آزمون فرضیات نیز به کار رفته است. معیار اساسی برای ارزیابی متغیرهای مکنون درون زا، ضریب تعیین R^2 است. مقدار R^2 (۰/۶۷، ۰/۳۳ و ۰/۱۹) در مدل های مسیری پی ال اس به ترتیب قابل توجه، متوسط و ضعیف است (آذر و همکاران، ۱۳۹۱). همان طور که مشاهده می شود، این مقدار برای متغیر توسعه متغیر امور فرهنگی مقدار ۰/۹۱۹ است که مقدار قابل توجه و برای متغیر دوستی بین المللی برابر با ۰/۳۲۶ است. برای متغیر انسجام ملی برابر با ۰/۲ است که مقدار متوسط هستند و برای متغیر توسعه تجاری برابر با ۰/۱۶ که مقدار

1 .Tenenhaus

ضعیف است. هر ضریب مسیر در مدل ساختاری پیل اس را می توان معادل یک ضریب بتای استاندارد شده در رگرسیون های کمترین مربعات معمولی در نظر گرفت.



شکل ۴. مدل در حالت ضرایب مسیر ساختاری



شکل ۵. مدل در حالت اعداد معناداری

همان‌گونه که از مدل ساختاری پژوهش مشخص است، با توجه به عدد معناداری و ضریب ساختاری روابط بین متغیرها، بین متغیرهای امور دیپلماتیک، امور دینی و تعاملات با متغیر امور فرهنگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. علاوه بر آن بین متغیرهای امور فرهنگی و دوستی بین‌المللی و انسجام ملی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در نهایت رابطه معنادار و مثبت بین دو متغیر انسجام ملی و دوستی بین‌المللی با توسعه تجاری نیز تأیید شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی شناسایی مفاهیم و طراحی مدل دیپلماسی ورزش در توسعه روابط میان ورزش جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده بود. در پژوهش حاضر سعی شد با استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری و مدل معادلات ساختاری به شناسایی و ارائه مدل دیپلماسی ورزشی ایران پرداخته شود و این مؤلفه‌ها در بستر روابط بین ایران و آمریکا بررسی شوند. با توجه به یافته‌های پژوهش ۷ عامل در رابطه با دیپلماسی ورزش ایران کشف شد. در بین این هفت عامل، امور دیپلماتیک و امور فرهنگی، جزء جدایی‌ناپذیر دیپلماسی ورزش هستند که با همراه شدن یکدیگر می‌توانند از جمله عوامل مولد قدرت نرم در مقابل کشور آمریکا محسوب شوند. از جنبه سیاسی به دلیل افزایش رسانه‌های جمعی و بازتاب گسترده اخبار ورزشی در سطح بین‌الملل، ورزش با سیاست پیوند نزدیکی دارد. اگرچه برخی معتقدند که ورزش ابزاری در دست سیاست‌مداران است (۸)، ولی دیپلماسی ورزش مسیری جداگانه را می‌تواند طی کند و خود را از چالش‌های سیاسی دور نگه‌دارد. دیپلماسی ورزش تنش سیاسی بین ایران و آمریکا را از طریق ماهیت باارزش و محبوبیت ورزش کاهش می‌دهد، چراکه ورزش ذاتاً حس احترام و شادی متقابل را ترویج می‌دهد. دیپلماسی ورزشی همچنین می‌تواند ابزاری برای ظهور خرده‌فرهنگ‌ها و ارزش‌های فرهنگی میان دو کشور باشد. با قرار گرفتن مردم کشورهای مختلف در کنار یکدیگر و ظهور همین خرده‌فرهنگ‌ها، نه‌تنها تعاملات سازنده و مؤثر بین دولت‌های ایران و آمریکا شکل می‌گیرد، بلکه فراهم‌کننده شرایط «تبادل فرهنگی» بین مردم این دو کشور است و با توجه به اشاره صباغیان (۱۳۹۴)، بعد از مدت کوتاهی موفقیت‌های دیپلماتیک سیاسی و فرهنگی بین دو کشور رقم می‌خورد (۳). در این زمینه به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران باید تلاش کند که با استفاده از روش‌ها و ابزار مختلف فرهنگی به تنش‌زدایی، زدودن تصویرهای منفی از خود، تصویرسازی مثبت از خود و شناساندن خود به مردم آمریکا اقدام کند. در کنار این عوامل ورزش با توجه به اهمیت دیپلماسی در ایجاد دوستی بین کشورها، تمایل به استفاده

از ابزار نظامی و تهدیدآمیز را کاهش می‌دهد و درهای مذاکره مستقیم را در سایه دیپلماسی ورزش باز می‌کند. از سوی دیگر داشتن روابط دوستانه با کشورهای دیگر زمینه را برای یکی از ابزارهای مهم پیاده‌سازی دیپلماسی ورزش که همان میزبانی رویدادهاست، فراهم می‌کند. بنابراین می‌توان گفت هرچه کشور ایران روابط دوستانه با سایر کشورها را گسترش دهد، شانس دستیابی سریع‌تر به ابزار دیپلماسی ورزش را افزایش می‌دهد. با توجه به اینکه ماهیت دیپلماسی زبان نرم و گفت‌وگوست، روشن است که در صورت پیاده‌سازی دیپلماسی ورزش، ادبیات گفتاری نظامی توسط هر دو کشور ایران و آمریکا کاهش می‌یابد و سبب کم شدن فشار روانی ایرانیان می‌شود.

نکته مهمی دیگر پژوهش این است که مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش با یکدیگر مرتبط‌اند و با تغییر یکی، دیگری نیز دستخوش تغییر می‌شود. همان‌گونه که نتیجه آزمون همبستگی اسپیرمن نیز روابط مثبت و معنادار بین مؤلفه‌ها را تأیید کرد. بنابراین دیپلماسی ورزش در ایران سبب کسب دامنه گسترده‌ای از اهداف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود. هم ارزش‌هایی چون عدالت، پهلوانی، احترام، نظم و صبر را در بین ورزشکاران نهادینه می‌کند و هم اینکه آنها را با جهان‌بینی کشور دیگر آشنا می‌سازد که همین امر خود سبب نواندیشی در افکار و ذهن ورزشکاران می‌شود.

در ادامه نتایج نشان داد که توسعه تجاری از مهم‌ترین مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش است. ورزش می‌تواند بخشی از اقتصاد کلان کشور ایران باشد و سهم شایان توجهی از درآمد کشور را داشته باشد. در عصر امروز ورزش تنها یک فعالیت بدنی و تفریح محسوب نمی‌شود و می‌تواند صنعتی پرسود را رونق دهد. ادبیات نظری نشان داد بسیاری از کشورها با برگزاری رویدادهای ورزشی علاوه بر معرفی کشور خود به دیگران سود سرشاری را نصیب خود می‌کنند (۱۱). بنابراین روابط دیپلماتیک در سایه ورزش با کشور آمریکا نه تنها زمینه را برای همکاری‌های ورزشی فراهم می‌کند، بلکه ایران می‌تواند از حق میزبانی در مسابقات ورزشی معتبر استفاده کند و با کارآفرینی مقطعی بخشی از مشکلات اقتصادی خود را حل کند و تراز تجاری مثبتی را ایجاد کند. کشورهای برزیل، آلمان، آفریقای جنوبی و روسیه از جمله کشورهایی هستند که در گذشته نه‌چندان دور میزبان مسابقات جهانی معتبری بوده‌اند و تلاش کردند خود را به‌عنوان کشوری استاندارد به جهان معرفی کنند. از دیگر مؤلفه‌های پژوهش انسجام ملی بود که به‌عنوان متغیری که می‌تواند هم از سایر مؤلفه‌ها تأثیر بگیرد و هم تأثیر بگذارد، بررسی شد. مسابقات ورزشی نشان‌دهنده وحدت و همدلی مردم کشورهای مختلف است. پخش سرود ملی هنگام پخش مسابقات به‌ویژه هنگام پیروزی، نمونه‌ای از همدلی ورزشکاران و مردم شرکت‌کننده در مسابقات است که حس غرور ملی و

وطن‌دوستی را القا می‌کند. دیپلماسی ورزش نشان داد که دولت‌ها بر مبنای نظر مردم خود سیاست برون‌مرزی خود را تعیین می‌کنند و در صورت رضایت مردم می‌توانند ضمن کسب رضایت آنها و تحقق اهداف برون‌مرزی، به اتحاد و یکپارچگی خود با مردم کشور دست یابند. بنابراین می‌توان گفت دیپلماسی ورزش نه تنها موجب همدلی و اتحاد بین مردم می‌شود، بلکه روابط بین دولت و مردم را نیز دستخوش تغییر قرار می‌دهد.

براساس شواهد ورزش نقش مهمی در پیشبرد نزدیکی دو کشور ایران و آمریکا دارد. برای مثال تیم ملی کشتی آمریکا در سال ۱۹۹۸ برای اولین بار در خاک ایران حاضر و در مسابقات جام تختی شرکت کرد، دیدار فوتبال ایران و آمریکا در همین سال به دیپلماسی فوتبال نیز معروف شد و با پیام رئیس‌جمهور وقت آمریکا مبنی بر نزدیکی بیشتر ملت‌ها همراه شد یا حضور کشتی‌گیران آمریکایی در جام خلیج فارس در سال ۱۳۸۵ که به استقبال دانش‌آموزان ایرانی از آنها منجر شد، نمونه‌هایی از پیش‌زمینه‌های ارتباط ورزشی بین دو کشورند. بنابراین می‌توان گفت دیپلماسی ورزش در ایران باید بیشتر از آنکه به‌عنوان یک اسلحه تبلیغاتی ایجادکننده اعتبار که می‌بایست در خدمت ارائه اهداف و آرمان‌های سیاسی این کشور باشد، به‌عنوان ابزار دیپلماتیک و فرهنگی برای اعتمادسازی، اقناع‌سازی و جلب ورزشکاران و مردم کشور آمریکا به کار رود (۱۳). همچنین با توجه به فشار گسترده تبلیغات منفی علیه ایران توسط آمریکا، استفاده از ابزار ترویج دیپلماسی ورزش از جمله سفیران ورزشی، برگزاری بازی‌های دوستانه در آمریکا و گردشگری ورزشی می‌تواند تا حدودی این حجم تبلیغات منفی را کاهش داده و هم دولت و هم مردم دو کشور را به یکدیگر پیوند دهد. دیپلماسی ورزش با ایجاد حس صلح و دوستی بین دو کشور ایران و آمریکا می‌تواند زمینه را برای کاهش تنش و تبلیغات منفی علیه ایران فراهم سازد و حتی رسانه‌های جمعی دنیا را متقاعد سازد تا در سایه ورزش و ارزش و محبوبیت در خود، دیدی مثبت را برای جهانیان القا دهد.

در انتها پیشنهاد می‌شود تا فعالیت‌های دو کشور در طول ۴۰ سال گذشته ارزیابی شود تا مشخص شود این فعالیت‌ها و اقدامات در راستای تحقق اهداف دیپلماسی ایران تا چه اندازه برآورنده اهداف ایران، منافع ملی و مصالح اسلامی ایران بوده است. گام دوم تدوین نقشه راه برای دیپلماسی ورزشی ایران در رابطه با کشور آمریکا تا ظرفیت‌ها، چالش‌ها، اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی ایران و وضعیت فعلی دیپلماسی ورزشی ایران ارزیابی شود. گام سوم تأسیس سازمانی برای سامان دادن فعالیت‌های ورزشی ایران در رابطه با آمریکا و در نهایت از سرگیری روابط دیپلماتیک رسمی بین دو کشور آمریکا

و استفاده از دیپلمات‌های ورزشی حرفه‌ای و توانا در قالب سفارتخانه‌ها، وابسته‌ها یا رایزنی‌های ورزشی در این کشور است.

منابع و مآخذ

1. Rahmani M. General diplomacy and Foreign Policy (In Persian)]. Strategic Studies of Public Policy, 2015. p. 63-90.
2. keshavarz Shokri A. Cultural Diplomacy in the Middle East: Community Evolution and the Need to Use New Tools (In Persian)]. Culture communication studies. 2013;14p 7-29
3. Sabbaghian A. Sport Diplomacy (In Persian)]. Culture- Communication Studies. 2016;16(31):132-51.
4. Grix J, Hpulihan B. Sports mega-events as part of a nations soft power srategy:the cases of Germany (2006) and the UK (2012). The British journal of politics & Internatinal Relation. 2014;16(4).
5. Li Y. Public Diplomacy Strategies of the 2008 Beijing Olympics and the 2012 London Olympics: A Comparative Study. International Journal of the History of Sport. 2013;30:1723- 34.
6. Murray S. Moving beyond the ping-pong table: sports diplomacy in the modern diplomatic environment. Public Diplomacy Magazine. 2013;9:11-6.
7. Cha VD. Winning is not enough: Sport and politics in east Asia and beyond. The International Journal of the History of Sport. 2013;30(11):128. ۹۸ ۷
8. Nauright J, Schimmel KS. The political economy of sport: Springer; 2005.
9. Murray S, editor Sports-Diplomacy: a hybrid of two halves. Artigo apresentado no International Symposium on Cultural Diplomacy Anais Berlim; 2011.
10. Shariati Feizabadi M. Designing and Modeling the Components of Sport Diplomacy in the Development of International Relations(In Persian)]. PHD Thesis Tehran University. 2015.
11. Sajjadi SN. Olympic centenary (1896-1996) (In Persian)]. Payam Noor. 2000.
12. Štulajer I, Štulajter M. Significance of Sport in International Relations. Journal of Modern Science. 2016(2 (29)):381-8.
13. Khabiri M. the Role of Sport in Public Diplomacy in the Islamic Republic of Iran. Center of Studies and Strategic Research. 2014.
14. Deos A. Sport and relational public diplomacy: the case of New Zealand and Rugby World Cup 2011. Sport in Society. 2014;17(9):1170-86.
15. Bakhshi chenari A, Goodarzi M, Sajjadi SN, jalali farahani m. Providing Solutions for Empowering and Promoting Sport Diplomacy in Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. Communication Management in Sport Media. 2019;6(23):80-90.
16. Shariati Feizabadi M, Nazemi M. Peace Making Role of Sport (In Persian)]The Social Cultural Strategy Journal. 2017;6(24):163-88.

17. Aziz Abadi M. The place of sport in domestic and international politics for peace and friendship. *Journal of Politic*. 2018;4(14):113-23.
18. Bagheri Y, Shariati Feizabadi M, Nazarian A. Interpretative Structural Modeling (ISM) of Sport Diplomacy Components. *Journal of Sport Management*. 2016;8(5):797-821.
19. Shahrezaei F, Shirzadi R. Role of Sports in Development of International Relations of the Islamic Republic of Iran (1997 – 2013) (In Persian)]. *Strategic Studies on Youth ans Sports*. 2016;15(32):35-60.
20. Jankovic S. Enhancing international dispute settlement: the role of sports diplomacy. *International Journal of Diplomacy and Economy*. 2017;3(3):264-78.
21. SCHNEIDER RC. Sport as a Facilitator of Positive International Relations. *International Journal of Sport Culture and Science*.4(Special Issue 3):843-51.
22. Boyacıoğlu F, Oğuz AG. The Role of Sports in International Relations. *Acta Universitatis Danubius Relationes Internationales*. 2016;9(1).
23. Fozooni B. Religion, politics and class: conflict and contestation in the development of football in Iran. *Soccer & Society*. 2004;5(3):356-70.
24. Munt V. *Game, Set, Match: Sports and the Future of Diplomacy*. 2015.
25. Chehabi HE. Sport diplomacy between the United States and Iran. *Diplomacy and Statecraft*. 2001;12(1):89-106.

To Develop a Model of Concepts of Sport Diplomacy Influencing the Development of Iran-USA Relations

Zohreh Sabzi¹- Mahdi Shariati Feizabadi*²- Reza Saboonchi³

1. PhD Student of Sport Management, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran
2. Assistant Professor, Department of Physical Education, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran

3. Assistant Professor in Sport Management, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran

(Received:2019/07/02; Accepted:2020/05/12)

Abstract

During four decades of glorious revolution, the soft power of the Islamic Republic of Iran has been influenced by various macro and micro concepts that have been repeatedly challenged by Western countries especially the United States. US political decision-makers are developing and strengthening their soft power in the world using general diplomacy and specifically sport diplomacy. In the light of recent years' successes in international sports such as 17th place among 206 countries in the Olympics 2012, the Islamic Republic of Iran can use this capacity to expand its interactions in international arena. The aim of the present study was initially to explore those concepts strengthening Iran's soft power through sport and to develop a favorable model of those components developing the diplomatic relations with Western countries especially the United States. Then, SPSS and PLS software were used to investigate the correlation of variables based on Spearman test, exploratory factor analysis and finally structural - interpretive modeling of independent and dependent variables. The findings showed that seven factors of trade development, religious affairs, interactions, cultural affairs, national unity, diplomatic affairs and friendship in four levels were influenced by Iran's international sport environment.

Keywords

Iran, sanction, sport diplomacy, United States.

* Corresponding Author: Email: mahdishariatifeiz@gmail.com;Tel: +989125587392